



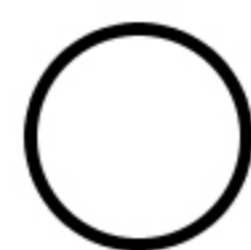
آخ جون ، منو تو یکی ایی...



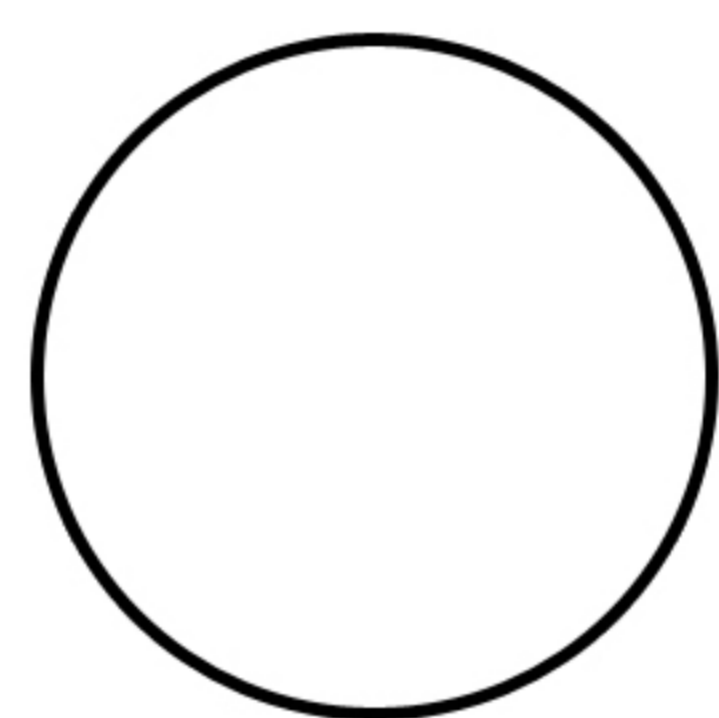
بهار ۱۳۹۵



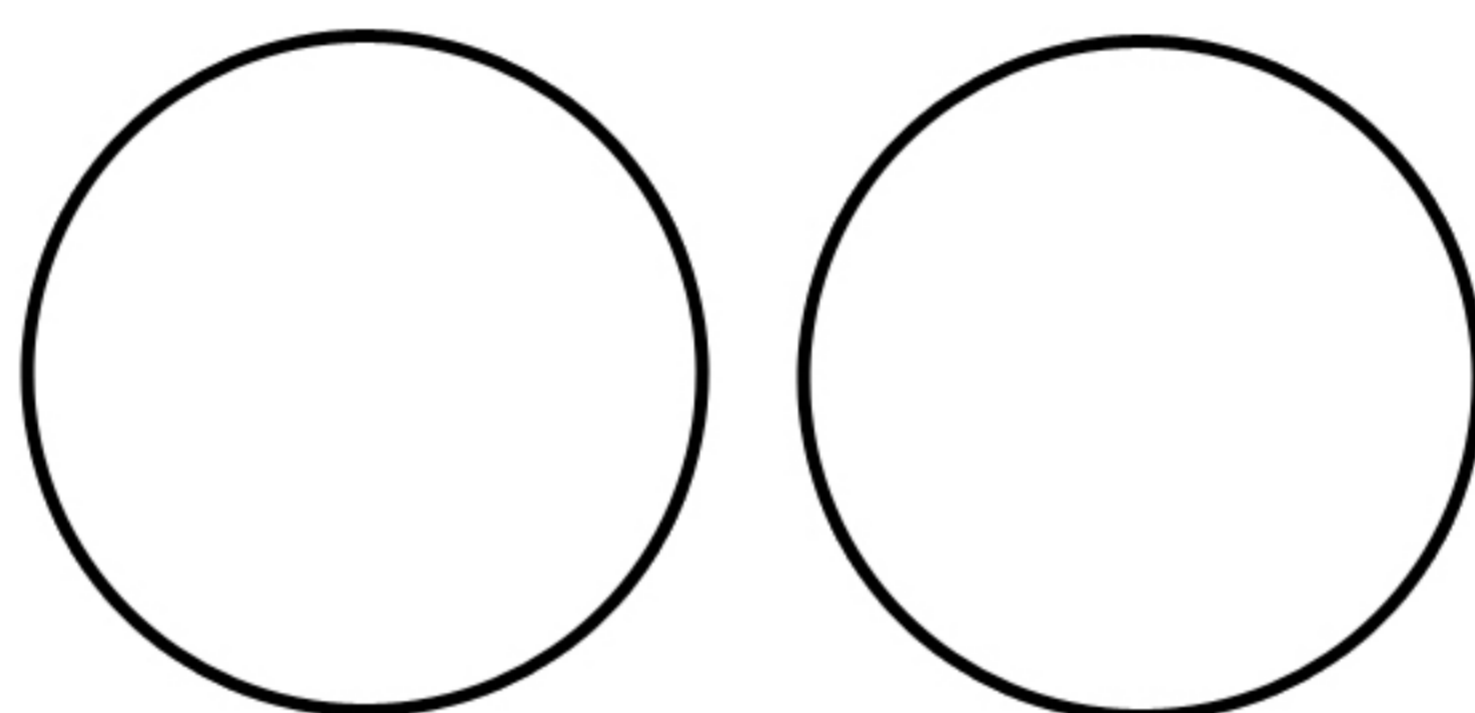
به تاریخ ۱/۱/۱
یکی بود، یکی نبود.
غیر از خدا، هیچکس نبود.
فقط خدا بود.
همه عالم سفید بود.
همه جا نور بود، پاکی بود.



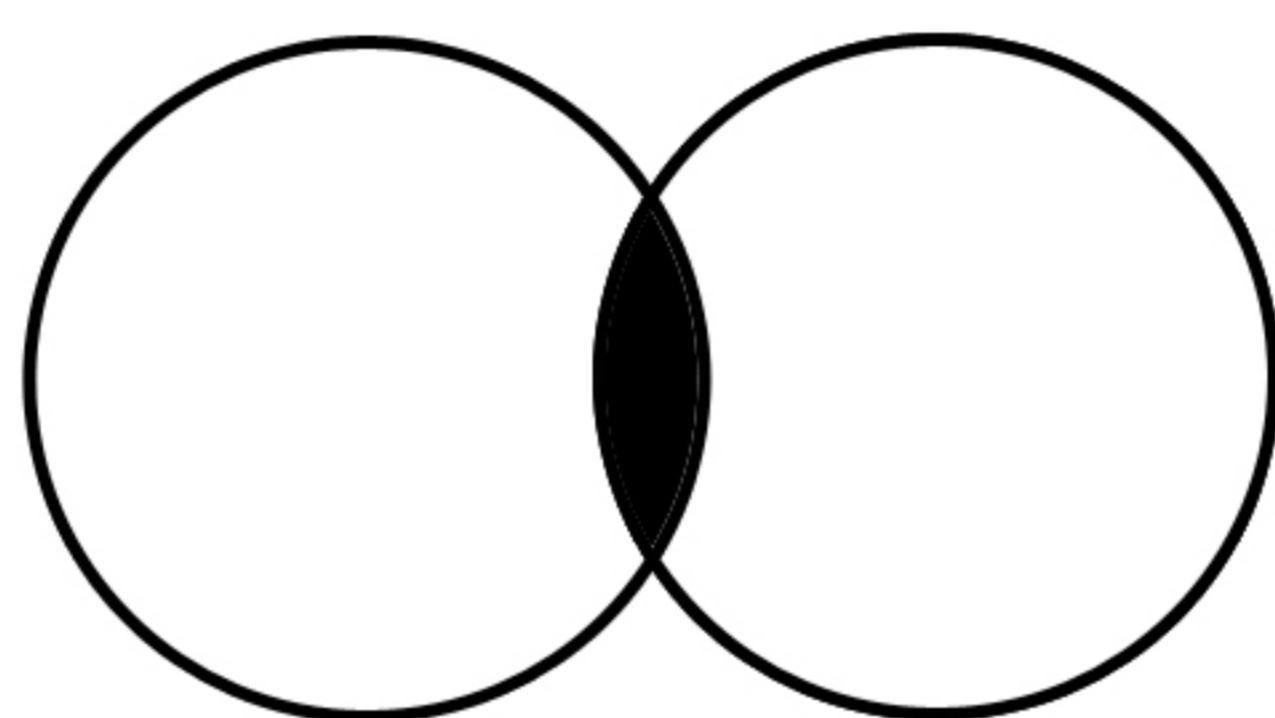
بوی محبت همه جا پیچیده بود.
یک ذره از سرزمین خدا درخشید
و از سینه هستی برآمد، و خاک شد.



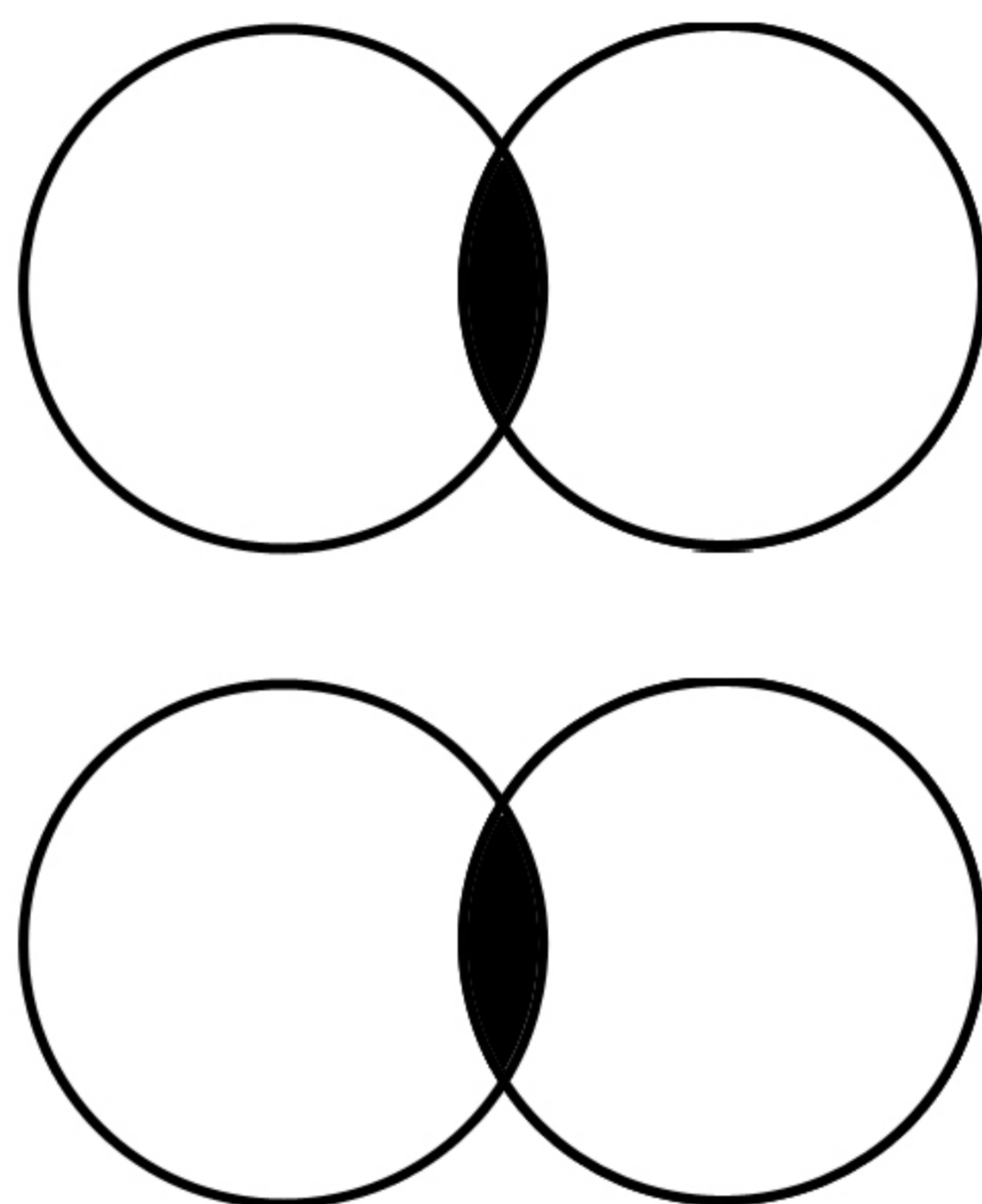
بوی خاک از دستان خدا بلند شد.
خداوند یک ذره محبت به آن اضافه کرد
و بنیان اولین خلقت را در آن دمید.



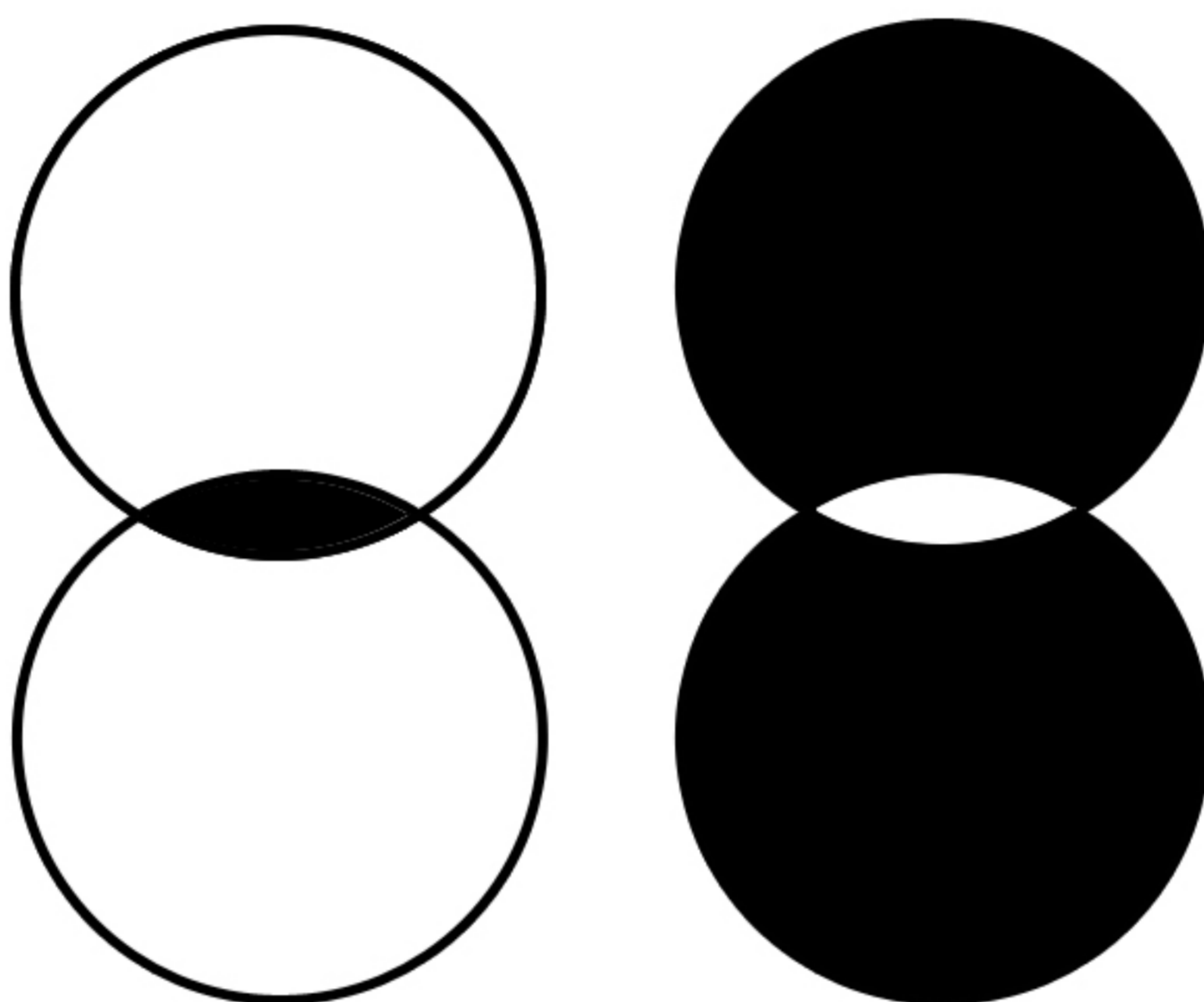
خلقت به هستی پا نهاد.
انسان آفریده شد.
دوتایی جلوه نو گرفت،
یکی برای تکثیر و یکی برای تکثر.
زن و مرد...



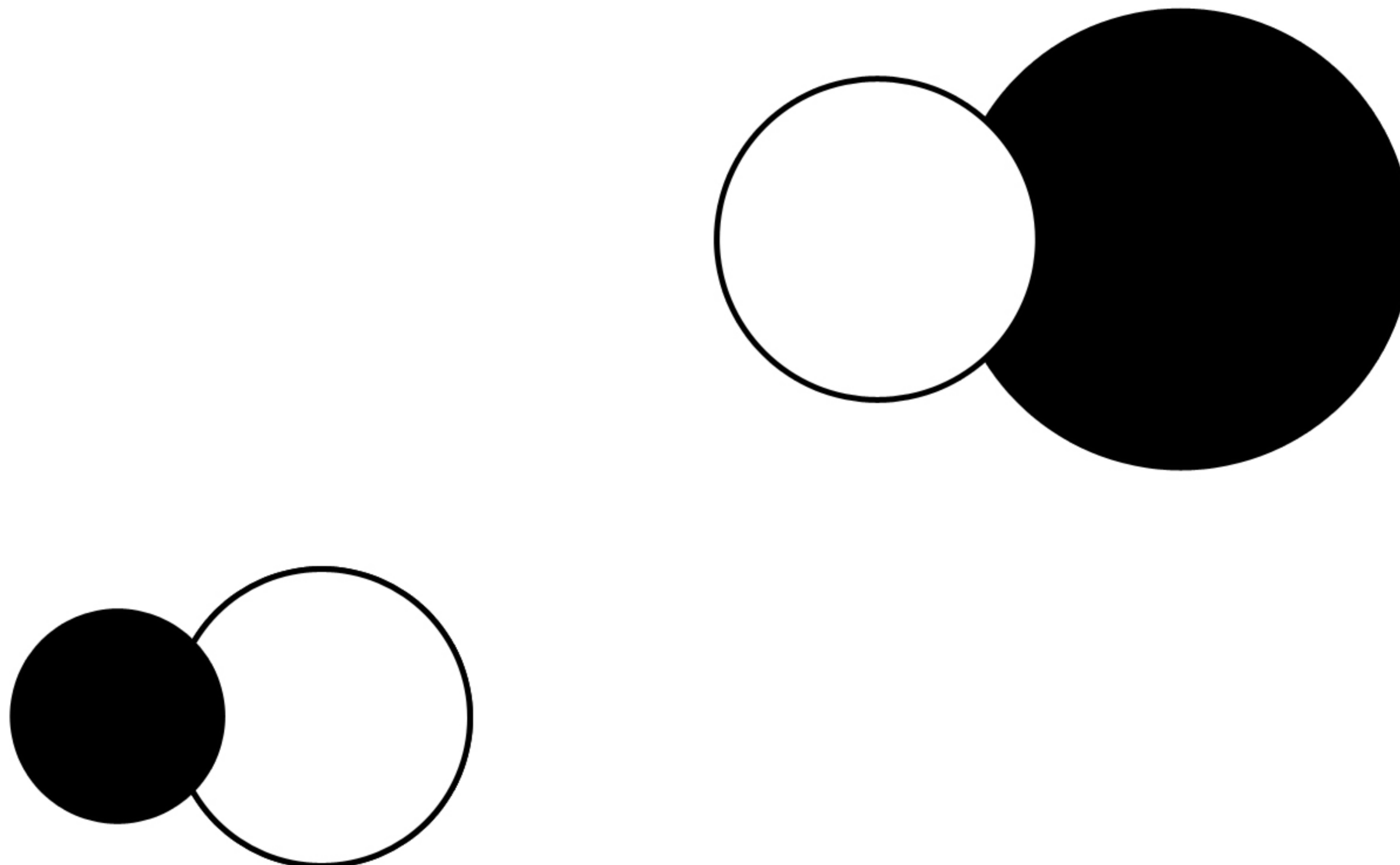
هستی با انسان آمیخته شد.
و نسیان آغاز گردید.
اولین لکه سیاه، دست‌آورد آمیختگی انسان و هستی شد.
داستان تفاوت کلید زده شد.
من و تو تا آنگاه نبود.



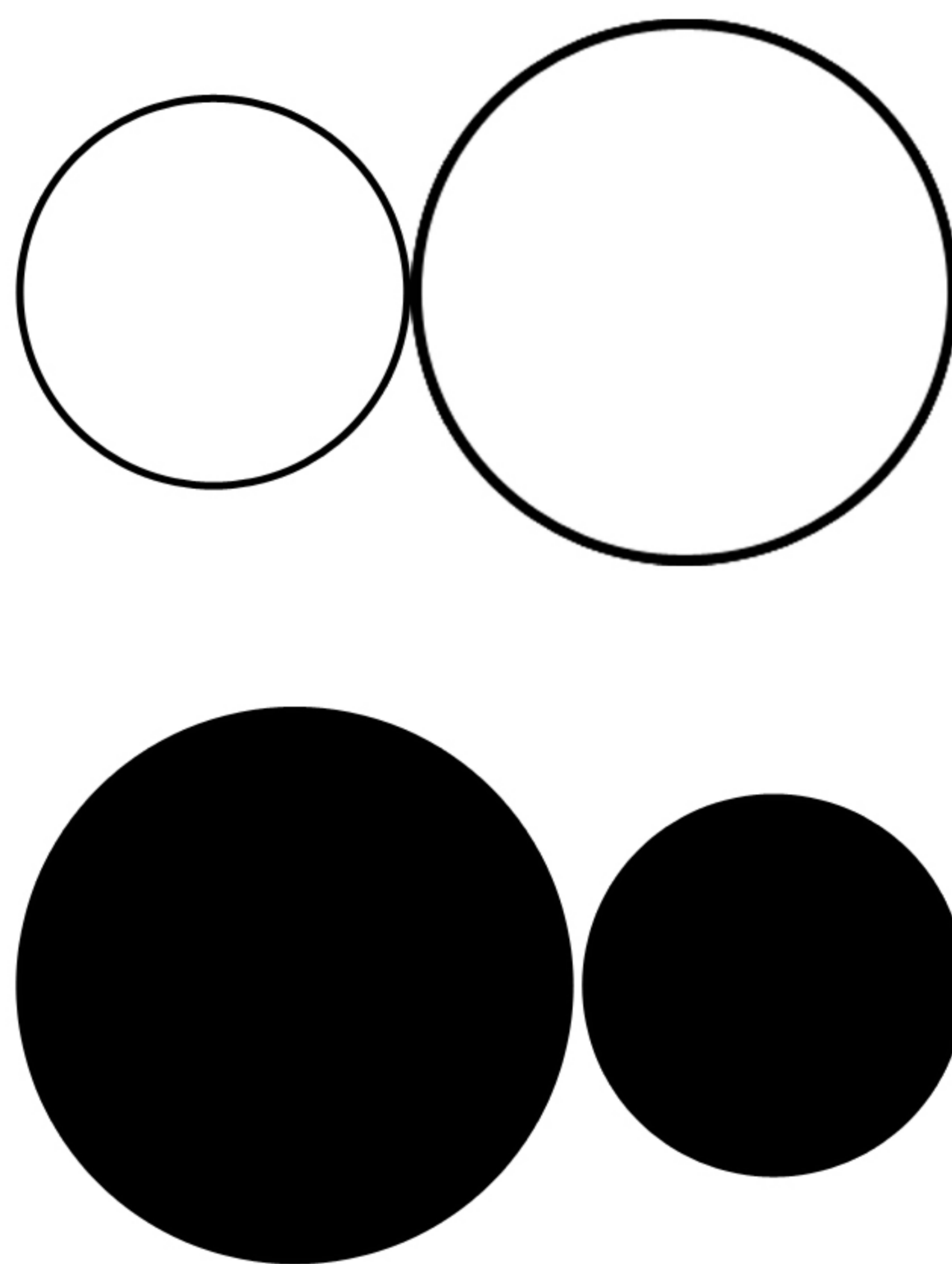
به امر خداوند، فصل تکامل انسان آغاز گردید.
انسان به تکثیر رسید.
و انسانیت فصل تازه هستی شد.
نقاط سیاه رو به تزاید بود،
و نقاط سفید رو به تکامل.



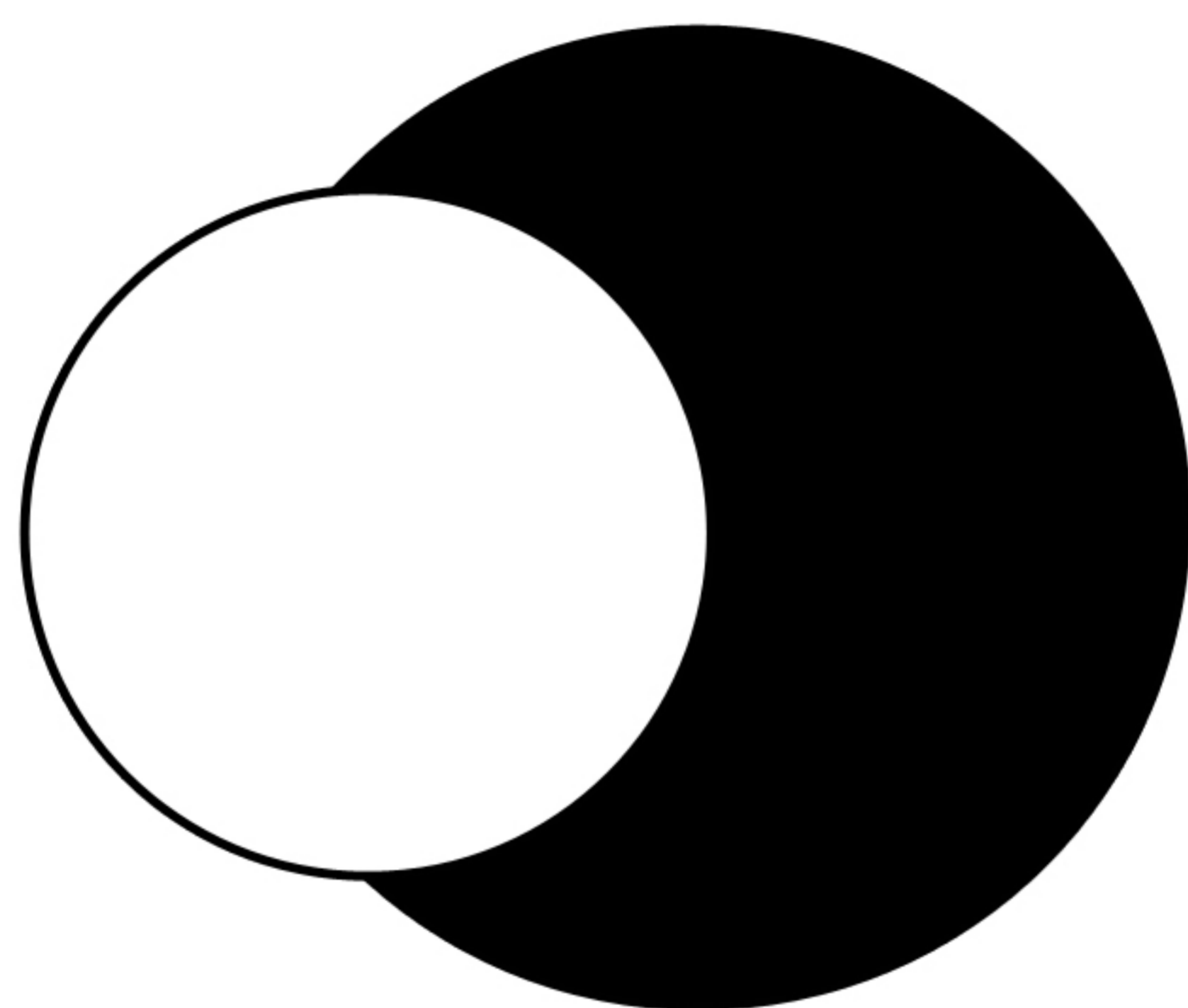
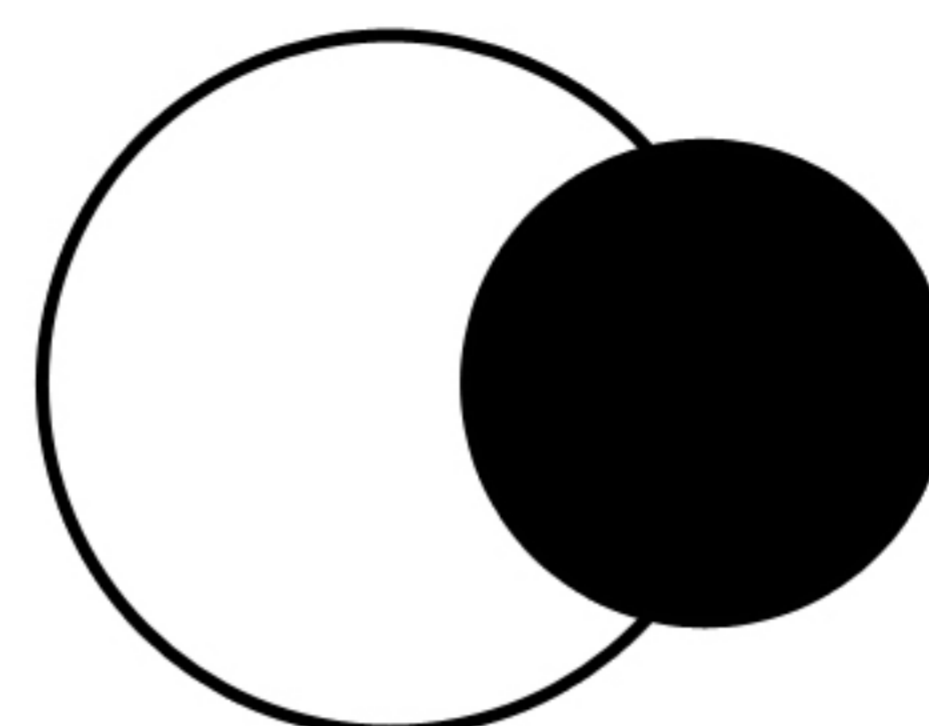
انشقاق پیکره انسان را هدف قرارداد.
من شدن زاییده حقارت انسان بود.
اختلاف سر برون آورد.
و اولین جنگ متقابل آغاز گردید.
اول و دوم شدن بنیان نهاده شد.
اول شدن پیروزی بود و دوم شدت شکست.



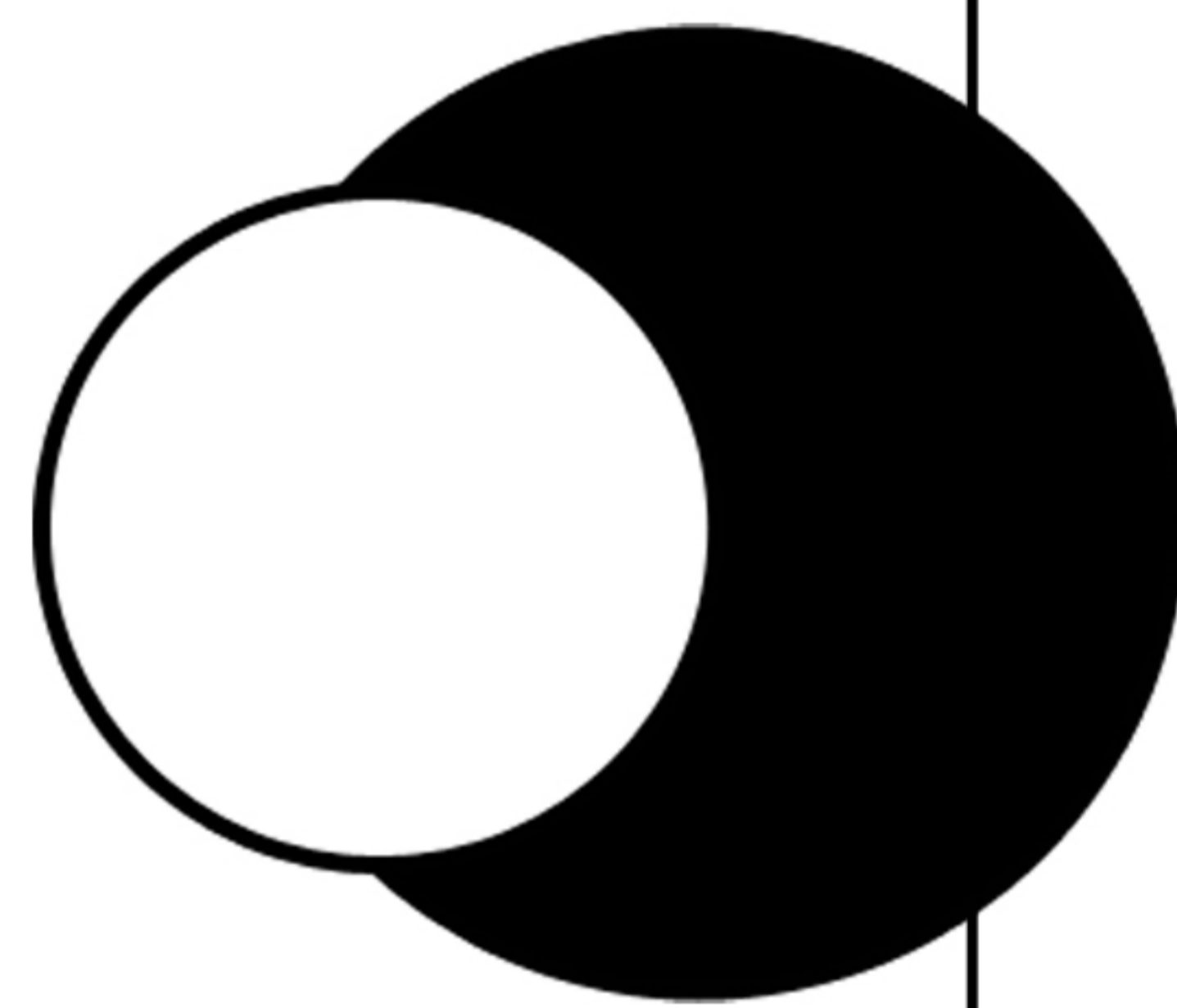
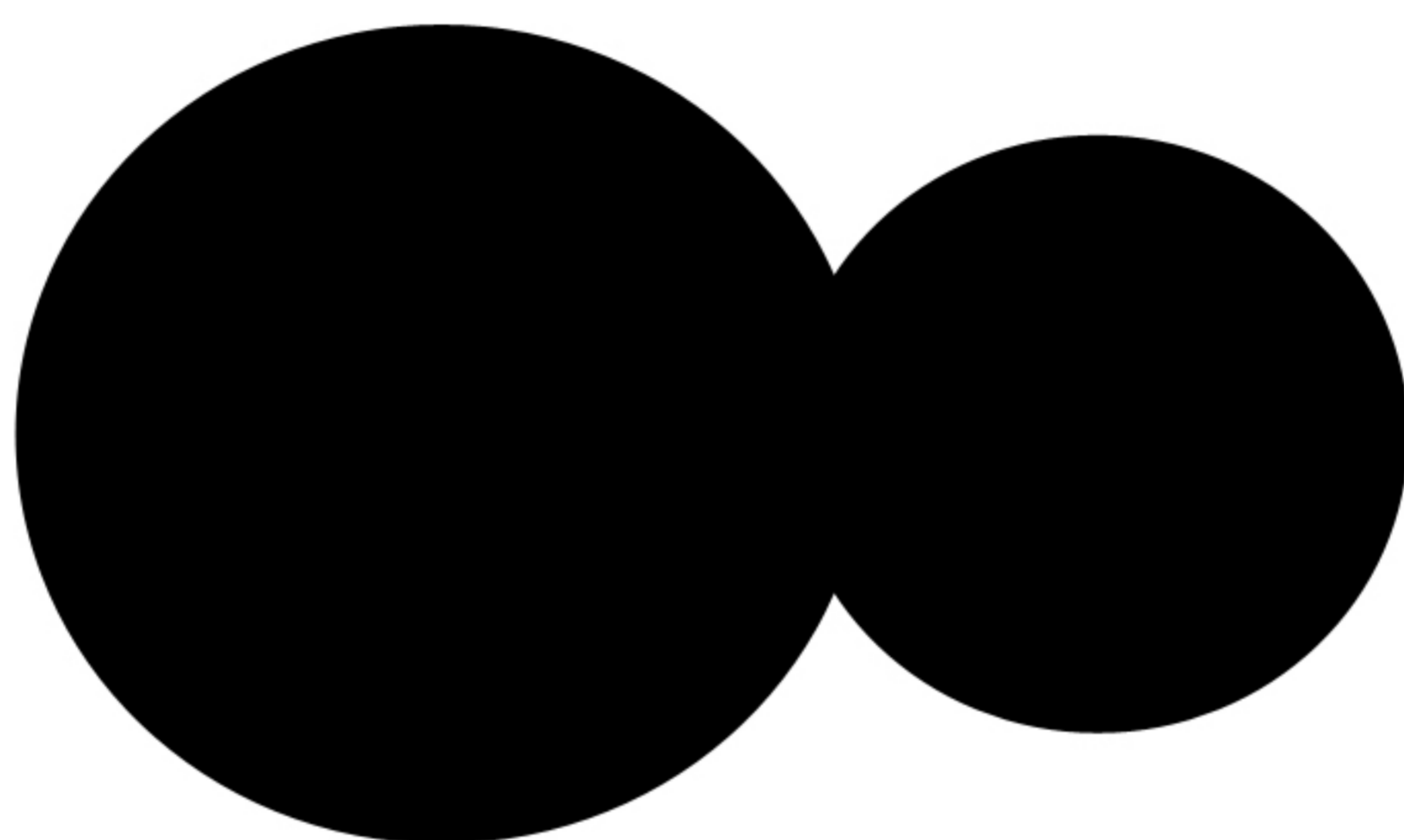
برخی در برابر سلطه، مقاومت کردند.
و برخی بر سلطه تن دادند.
کم کم سیاهی، چهره هستی را مخدوش می کرد.
بیشتر سیاه و کمتر سفید...



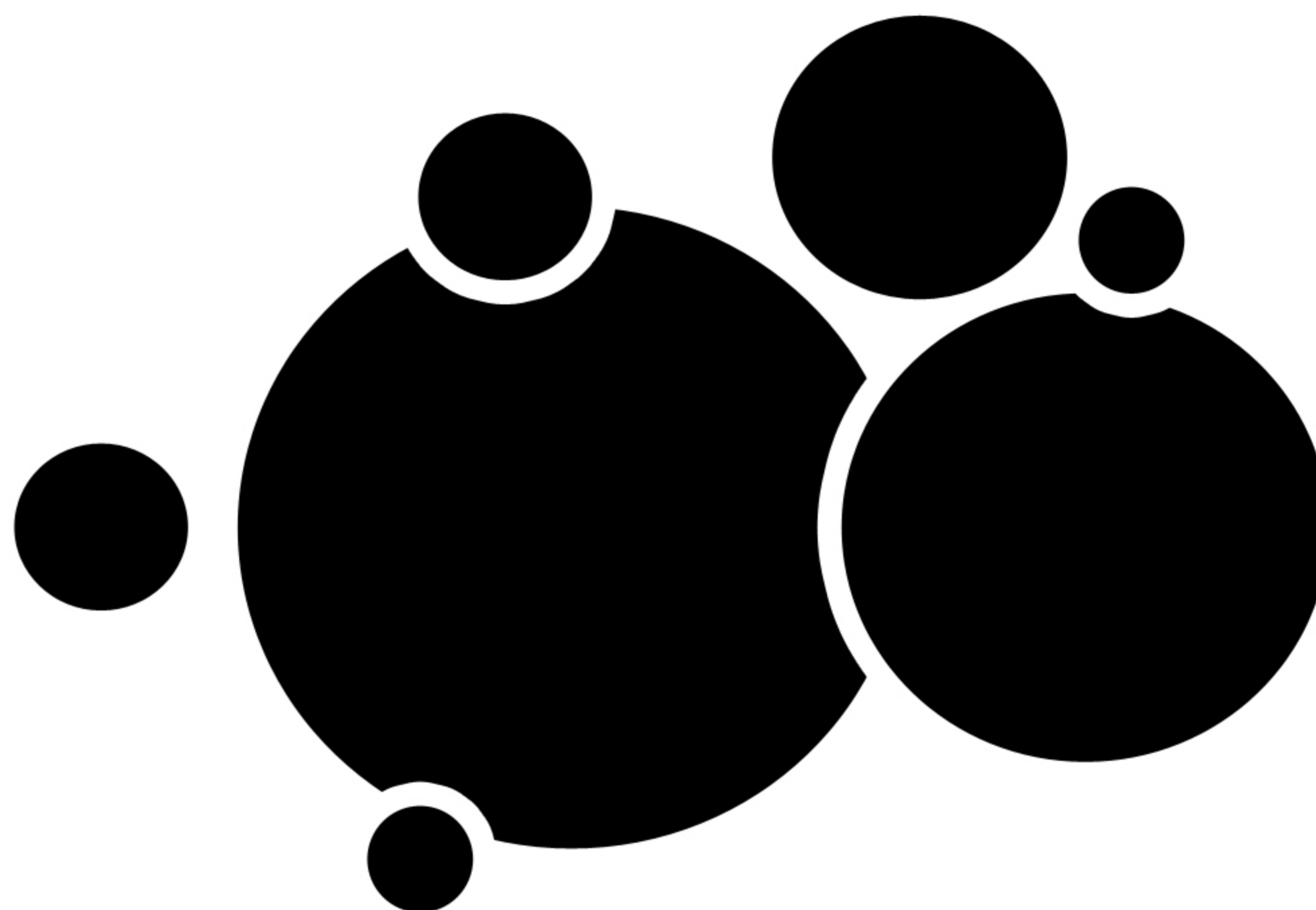
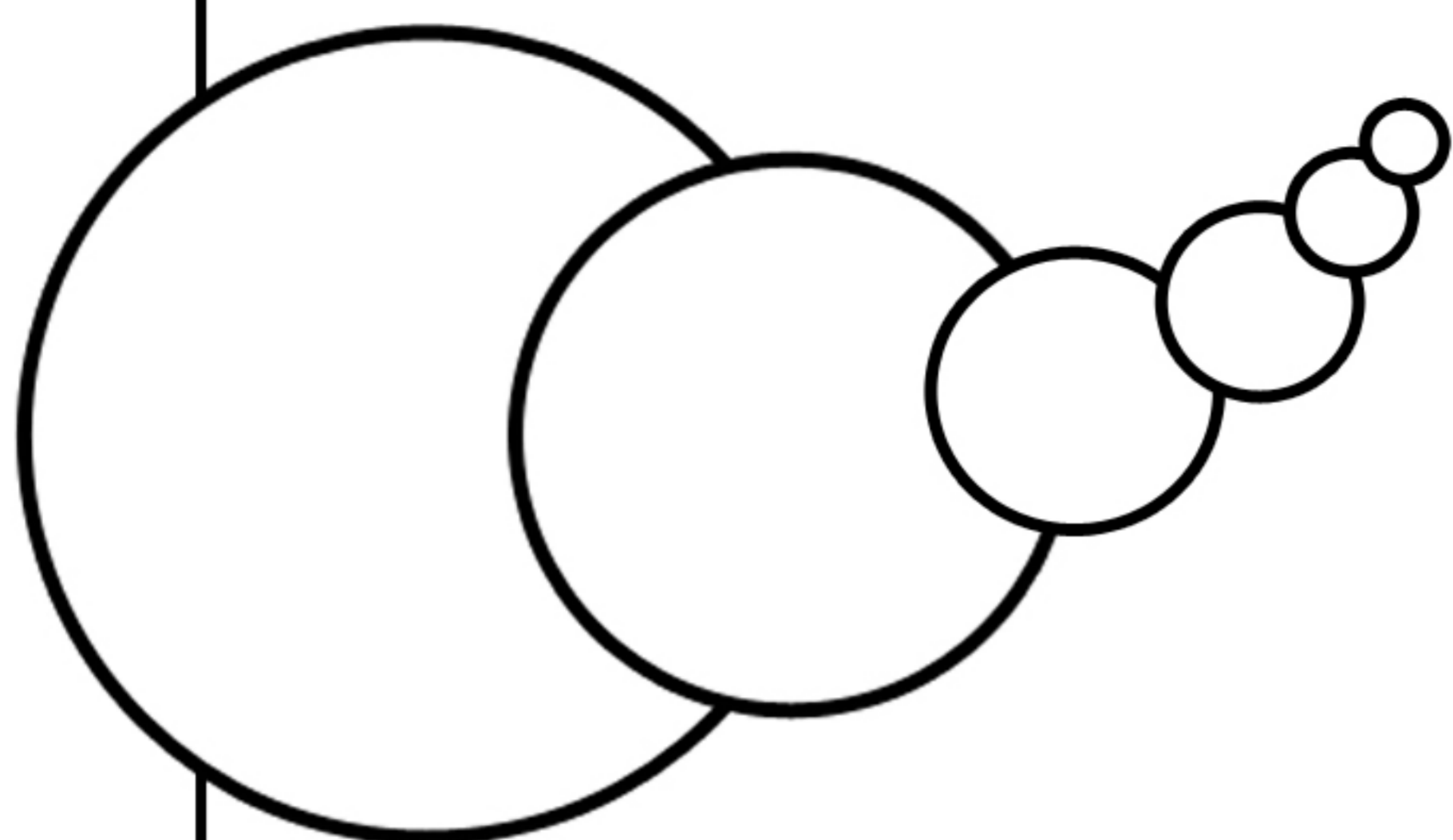
انسان ها به یار گیری رو آوردند.
آنها که به سفیدی می اندیشیدند، خیر پرور شدند.
و آنان که به سیاهی دلخوش، شرر آفرین گشتند.



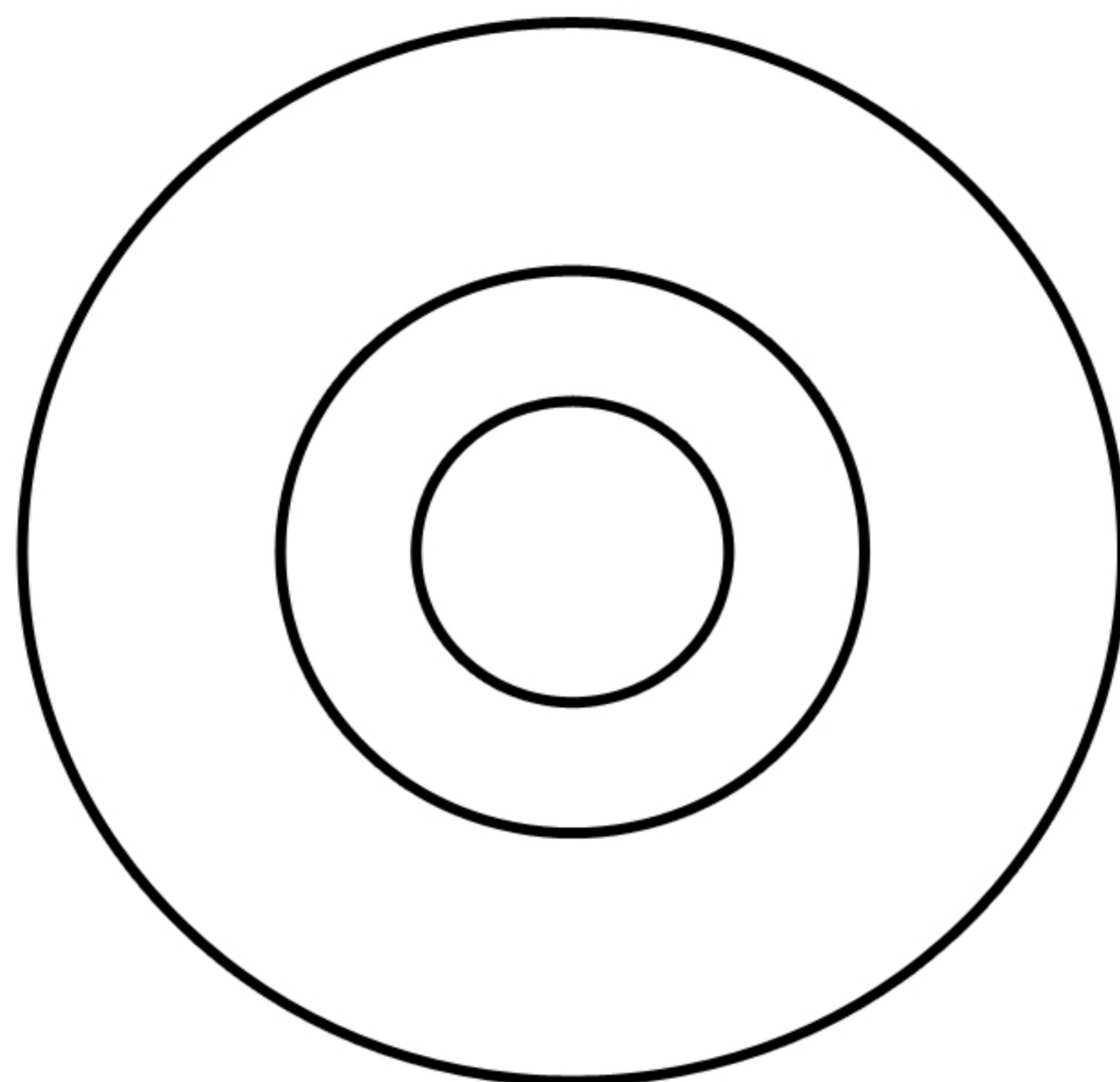
بیشتر سفیدی ها به سیاهی گرویدند.
و کمتر سیاهی ها به سفیدی منعطف گشتند.
هستی کم کم شاهد تنازع انسانها می شد.
دومی های تحقیر شده و اولی های مست پیروزی...



...و خداوند اراده کرد،
که انسان ها به اختیار انتخاب کنند.
گروهی به تنازع و بخشی به تعامل پرداختند.
مردمانی تفاوت را اختلاف دیدند و مردمانی دیگر ضرورت هستی.
عده آنان که تنازع را برگزیدند ، همواره براهل تعامل رو به تزايد بود.

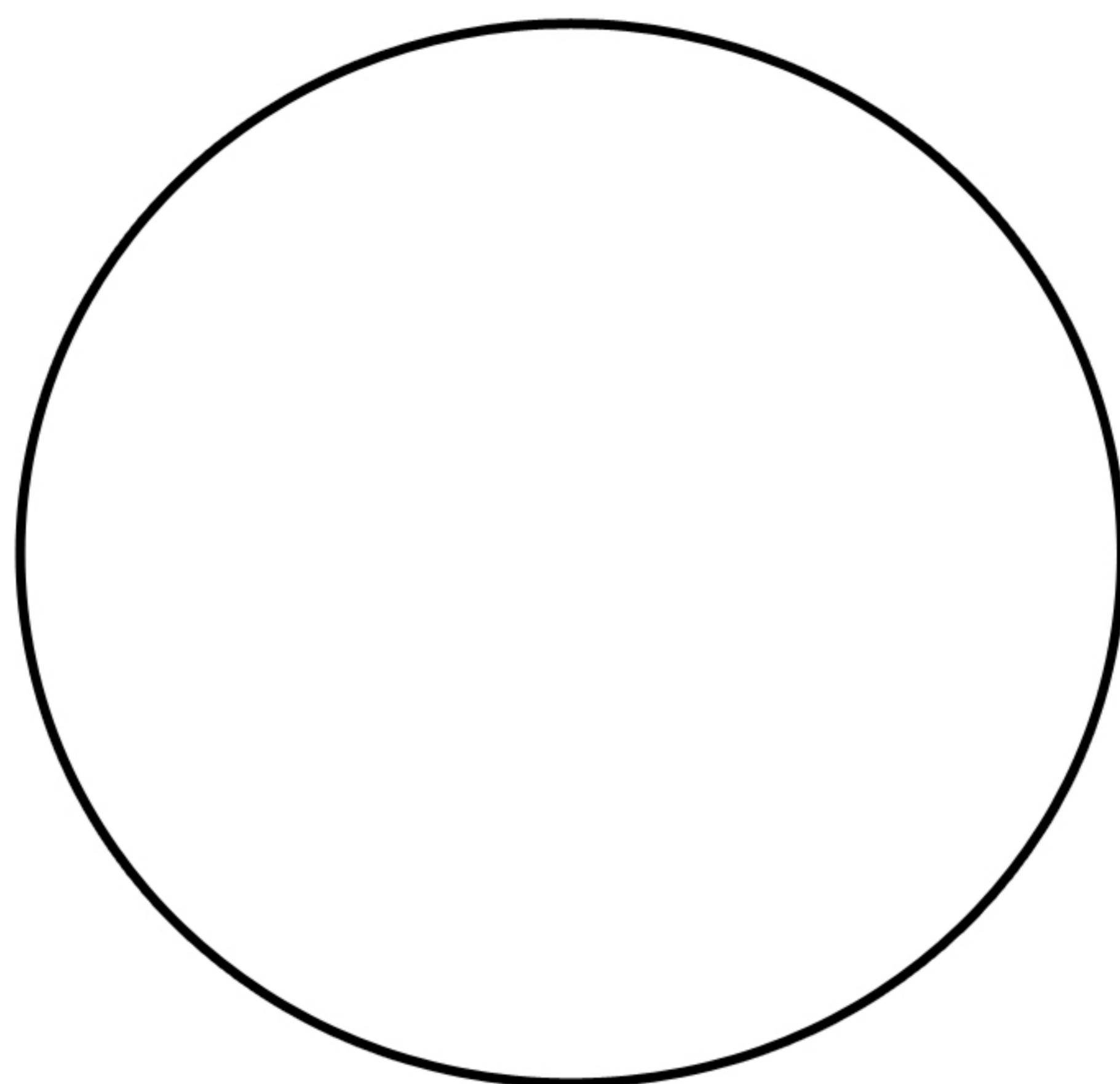


سفیدی ها عمق شد و سیاهی ها سطح.
گوهرهای عمیق دیده نشد و لکه های ننگ تنازع ملاک بودن قرار گرفت.
کم کم داستان به آخر می رسید.
دنیای سفیدها و دنیای سیاه ها
آدم های اهل تقابل، به سیاه چاله تبدیل می شدند
و انسان های اهل تعامل، کهکشان.



سیاه چاله ها هر روز شناخته تر شدند،
و کهکشان ها یکی پس از دیگری هویدا.
کهکشان ها، حاصل تعاملند،
و سایه چاله ها، محصول تقابل.
کهکشانی ها، متمرکز بر سفیدی ماندند.





... و امروز که به محور تعامل هستم،
تازه زاده شده ام.
کهکشانی متولد زمان
به تاریخ ۱/۱/۱
و دیگر برای همیشه، من و خدا، یکی ای...